

هو الحكيم

عنوان:

آیا مخلوق قدیم زمانی، ممکن است؟!

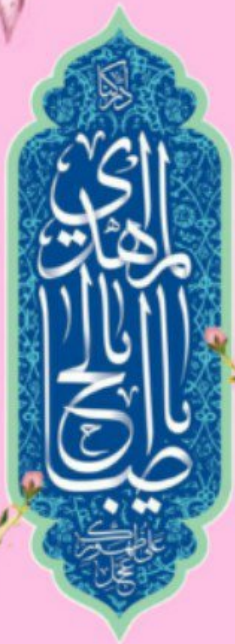


دکتر وحید باقر پور کاشانی



«SERATEHAGHI»





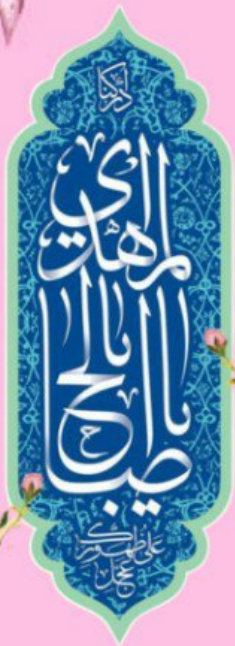
Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM_12

Join > @serat12k

«این عوالم، ازلی نیست، بلکه حادث است، چون متغیر است و هر حادثی مسبوق به عدم است، پس به ناچار محدث و پدیدآورنده‌ای دارد. چون عدم مطلق، هیچ شیئی نیستی ندارد و در نتیجه خالق نیست». یکی از مبانی که آیات و روایات هم مطرح کردند و مطلب دقیقی هم هست که فرمودند این عالم ازلی نیست، بلکه حادث است. این‌جا ازلیت را مقابل حدوث گرفتند. پیرا بعضی‌ها قائل هستند که ما دو جور ازلی داریم! خدا ازلی هست، مخلوقات اولیه هم ازلی هستند! منتها در مورد خداوند، قدیم ذاتی و زمانی هست. ذاتی یعنی موجودیتش را از غیر نگرفته، و قدیم زمانی یعنی زمانی نبوده که آن نباشد، یعنی مسبوق به عدم نیست. مخلوقات را آمدند گفتند دو تیپ داریم: یک مخلوقاتی داریم که هم حادث ذاتی هستند هم حادث زمانی؛ یعنی چه؟ یعنی اصل وجودش نیازمند هست، و این هم مسبوق به عدم هست، مثل حوادث یومیه، این مسائل امروزی که اتفاق افتاد، اتفاقاتی که امروز می‌افتد یا محو می‌شود. می‌گویند یک‌سری مخلوقات داریم که قدیم زمانی هستند اما حادث ذاتی هستند! ببینید نکته این‌جا این است!

→ [صراط‌الحق]



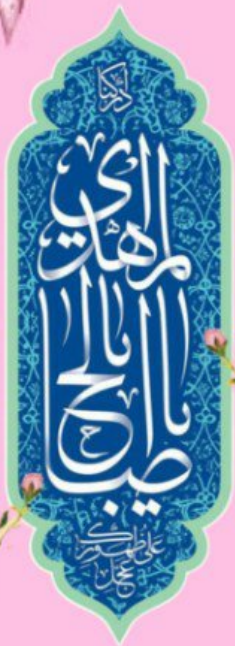
Join > «SERATEHAGH1»

Join > «MAHDISM_12»

Join > «serat12k»

حدوث ذاتی هست یعنی می‌گوید
محتاج هست، اما مسبوق به عدم نیست،
بوده بوده بوده!
همین‌طور که خدا بوده بوده بوده،
مخلوقات هم بوده بوده بوده!
می‌گوییم آن چیزی که بوده بوده
بوده که مخلوق نیست!
می‌گوید چرا؟! محتاج به خداست!
خوب دقت بکنید! محتاج به خداست!
ببینید کسانی که گفتند ازلیت داریم،
دقت در معنای ازلیت نکردند!
گفتند چی؟ مخلوق ازلی؛
عقل مثلاً، مخلوق ازلی هست!
چرا دقت در معنای ازلیت نکردند؟
به خاطر اینکه ازلیت یعنی بوده بوده بوده؛
عدم در آن راه ندارد! بوده!
وقتی شیئی همیشه بوده،
پس وجودش را از کسی نگرفته!
از شیئی نگرفته!
بوده همیشه! اینکه همیشه بوده،
وقتی وجودش را از شیئی نگرفته باشد،
پس وجودش از خودش هست!
پس قائم به ذات هست!
لذا ازلیت، تالی فاسدش این را به
شریک‌الباری می‌رساند! به
تعدّد آلّه، به تعدّد واجب‌الوجود می‌رساند!

→ [صراط‌الحق]



Join > «@SERATEHAGH1»

Join > «@MAHDISM_12»

Join > «@serat12k»

→ [صراط حق]

اگر یکی بگوید عقل اول هم به مانند
خداوند ازلی بوده،

سؤال می‌کنی، این عقل اول

یعنی یک مرتبه‌ای بوده

که وجود را به آن دادند؟

می‌گوید نه نه بوده بوده بوده!

یعنی عدم در آن راه ندارد؟

می‌گوید نه!

می‌گویی یعنی محتاج به خداست؟

می‌گوید محتاج به خداست چیست؟

این وجودش همیشه بوده، پس وجودش را از

خداوند اخذ نکرده! آن شیئی هم که وجودش

با خودش بوده، وجود ذاتی‌اش است،

در تداوم حیاتش هم بی‌نیاز به غیر هست!

جوابش این است! پس ازلیت،

مقابل حدوث هست.

ما یا قدیم ذاتی و زمانی داریم،

یا حدوث ذاتی و زمانی داریم،

یا شیء ازلی داریم، یا شیء حادث داریم؛

شیء ازلی فقط خداست،

هیچ مخلوقی ازلی نیست!

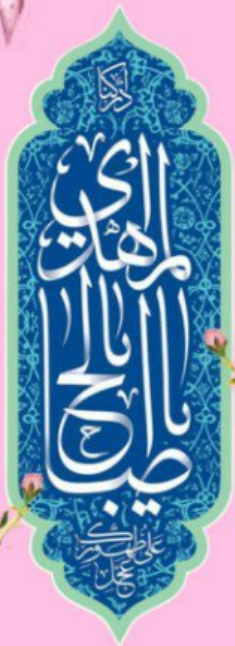
اگر بگوییم مخلوق ازلی، این پارادوکس است!

یعنی در اینکه مخلوق هست خلق شده،

نبوده بود شده، در حینی هم که

سابقه‌ی عدم ندارد، بوده بوده بوده!

این پارادوکس هست! این تناقض هست!



Join > @SERATEHAGH1

Join > @MAHDISM_12

Join > @serat12k

→ [صراط حق]

«این عوالم، ازلی نیست، بلکه حادث است».
حادث یعنی مسبوق به عدم هست.
چرا مسبوق به عدم هست؟ برهانی
که در فرمایشات معصومین علیهم السلام
هم هست که عالم متغیر هست،
کلّ متغیّر حادث هست،
پس عالم حادث است.
می بینیم تغییر در مخلوقات هست،
هر تغییری یعنی حرکت،
هر حرکتی مسبوق به عدم هست،
هر چیزی هم که مسبوق به عدم باشد
حدوث دارد! حادث است!
خیلی راحت!
پس چون مسبوق به عدم دارد
پس ازلی نیست!
«این عوالم، ازلی نیست،
بلکه حادث است، چون متغیر است
و هر حادثی مسبوق به عدم است،
پس به ناچار محدث و پدیدآورنده‌ای دارد،
چون عدم مطلق، هیچ شیئی نداشتی ندارد
و در نتیجه خالق نیست».
می‌گوید کل اشیاء چه هستند؟
متغیرند!
کل مخلوقات متغیرند!
تغییر چیست؟
تغییر از غیر گرفته است.